

بسم الله الرحمن الرحيم

وضعیت حقوقی جنسیت و حد نصاب در شهادت

(با بررسی مواد ۲۳۰ و ۲۴۱ قانون جدید
آیین دادرسی مدنی)

مؤلف:

فاطمه بیات

انتشارات ارسطو
(چاپ و نشر ایران)

۱۳۹۹

« وَلَا تَكْتُمُوا الشَّهَادَةَ وَمَنْ يَكْتُمْهَا
فَإِنَّهُ آثِمٌ قَلْبُهُ »

(۲۸۳ بقره)

تشر و سپاسگزاری

سپاس خدای را که به تمام اسرار نهانی آگاه و از باطن همه چیز با خبر است و بر همه چیز گواه، او که اولین شاهد در دنیا و آخرت است. «إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ»

و سلام و درود بر پیامبر گرامی اسلام و خاندان پاک و مطهر او «علیهم السلام»

بر خود لازم می‌دانم مراتب تقدیر و تشکر خود را از اساتید گرانقدر آقای دکتر فهیمی، آقای دکتر وحدتی و آقای دکتر مشهدی و همچنین از دوستان بزرگوارم به عمل آورم و این اثر را تقدیم کنم به مهربانترین همراهان زندگیم، پدر، مادر، همسر و فرزندان عزیزم که پشتیبان همیشگی من هستند.

فهرست مطالب

پیشگفتار

مقدمه

فصل اول: کلیات

مبحث اول: مفهوم شناسی و تاریخچه

گفتار اول: مفاهیم

بند اول: شهادت در لغت و اصطلاح

بند دوم: مفهوم شاهد

بند سوم: مفهوم حد نصاب در لغت و اصطلاح

گفتار دوم: تاریخچه شهادت و مبانی آن در حقوق

موضوعه

بند اول: پیشینه شهادت در میان ملت ها

مبحث دوم: ادله اثبات دعوا

گفتار اول: مفهوم ادله

گفتار دوم: تقسیم بندی ادله اثبات دعوی

مبحث سوم: ماهیت شهادت

گفتار اول: ماهیت شهادت از حیث حق یا تکلیف بودن

گفتار دوم: ماهیت شهادت از منظر روائی و فقهی

گفتار سوم: ماهیت شهادت از منظر قانونی و حقوقی

فصل دوم: جایگاه شهادت و بررسی حد

نصاب و جنسیت مقرر در شهادت

مبحث اول: جایگاه شهادت در میان سایر بینه

گفتار اول: رابطه میان بینه و شهادت

گفتار دوم: شهادت در برخورد با ادله اثبات دعوا

بند اول: تعارض شهادت با اقرار

بند دوم: تعارض شهادت با علم قاضی

بند سوم: تعارض شهادت با سوگند

بند چهارم: تعارض شهادت با اماره

مبحث دوم: بررسی جنسیت و تعداد شهود در دعاوی

گفتار اول: موضوع شهادت شهود

بند اول: حق الله

بند دوم: حق الناس

گفتار دوم: شهادت مستقل زنان و مردان

بند اول: استقلال و انفراد مردان در شهادت (طلاق

خلع، نسب، و کالت...)

بند دوم: استقلال زنان در شهادت

بند سوم: شهادت زنان به انضمام شهادت مردان

گفتار سوم: استنباط از آیات و روایات

فصل سوم: اختیار قاضی در پذیرش شهادت

مبحث اول: تبعیت قاضی از بینه شرعی

گفتار اول: نظریات فقها در الزام به تبعیت از بینه شرعی

گفتار دوم: نظریات حقوقدانان در الزام تبعیت قاضی از بینه شرعی

مبحث دوم: مردود بودن بینه شرعی در صورت حصول علم قاضی

گفتار اول: نظریات فقها مبنی بر اطمینان بر علم قاضی

بند اول: علم قاضی منتهی به عدالت (راهی برای رسیدن به حقیقت)

بند دوم: ذاتی بودن حجیت علم قاضی

بند سوم: اولویت علم قاضی بر بینه

گفتار دوم: نظریات حقوقدانان در اختیار قاضی در ارزیابی بینه شرعی

بند اول: کشف حقیقت گفته ها و شنیده‌های شهود
توسط قاضی

بند دوم: تفاوت بین دعاوی حقوقی و کیفری
مبحث سوم: وظیفه قاضی در موارد عدم تحقق بینه
شرعی

گفتار اول: تحلیل حقوقی مؤثر بودن شهادت
گفتار دوم: اعتبار شهادت به عنوان مستند علم قاضی

بند اول: در صورت نبود شرایط عامه شهود
بند دوم: در صورت نبود شرایط موجود در ماده
۲۳۰ قانون آیین دادرسی مدنی

گفتار سوم: بررسی شهادت به عنوان اماره قضایی

منابع و مأخذ

الف: کتب فارسی

ب: کتب فقهی

ج: پایان نامه ها، مقالات

پیشگفتار

در نظام دادرسی کشور ایران ما، شهادت به عنوان یکی از ادله اثبات دعوا آمده است و از جمله مواد مربوط به شهادت مواد ۲۳۰ و ۲۴۱ قانون آیین دادرسی مدنی است که از موضوعات بحث پژوهش حاضر می‌باشد. در خصوص ماده ۲۳۰ قانون آیین دادرسی مدنی، مربوط به برخی از دعاوی خاص می‌باشد که این دعاوی با جنسیت و حد نصاب خاصی به اثبات می‌رسد و در این تحقیق با استناد به آیات و روایات، مبانی و چرایی ذکر تعداد و جنسیت در ماده ۲۳۰ را استخراج کرده و تعیین شد که در چه مواردی جنسیت و تعداد، حصری و در چه مواردی تمثیلی است. همان طور که در ماده ۲۴۱ آمده است که تشخیص ارزش و تأثیر گواهی با دادگاه است، به عبارتی، اعتبار یا عدم اعتبار دلایل حاصل اطمینانی

است که در قاضی حاصل می‌شود، این ارزیابی در همه دلایل به یک شکل اعمال نمی‌شود. اما در تفسیر ماده ۲۴۱ باید گفت از اطلاق (بینه شرعی و غیر شرعی) عبارت موجود در متن قانون چشم پوشی نمود و در راستای همگام شدن با فقه امامیه باید بر این قائل بود که در صورت تحقق بینه شرعی، قاضی ملزم به تبعیت از شهادت است. نکته دیگری که می‌توان در تفسیر این ماده بیان نمود این است که ماده فوق‌الذکر اختیار قاضی را محدود به محرز نمودن شرایط شهود نموده است. از آنجا که قوانین ما ریشه فقهی داشته و طبق ماده ۳ آیین دادرسی مدنی در صورت ابهام ماده ای، باید به اصول فقهی مراجعه کرد. بنابراین برای خروج از ابهام ماده ۲۴۱ ناگزیر به بررسی فقهی ماده ۲۳۰ و ۲۴۱ می‌باشیم.

مقدمه

شهادت به عنوان یکی از ادله اثبات دعوا اعم از دعاوی حقوقی و جزایی در صورتی معتبر است که شرایط لازم در شاهد و نوع ادای شهادت موجود باشد به همین دلیل در حقوق ایران در باب اثبات جرایم و دعاوی به طریق شهادت شهود از متون فقهی تبعیت شده و اعتبار آن را مشروط به شرایطی می‌داند، حال آنکه در ماده ۲۳۰ قانون آیین دادرسی مدنی آن دسته از دعاوی که اثبات آنها با گواهی امکان پذیر است را در چهار گروه پیش بینی نموده و به تعداد و جنسیت گواه در هر یک از گروه‌ها تصریح شده است.

حال این سوال به ذهن می‌رسد که آیا این شرایط به صورت مقرر و ویژه به دادگاه تحمیل می‌شود و اگر کسی شرایط قانونی شهادت را نداشت، آیا اخبار

او فاقد ارزش و اعتبار است؟

این پرسش از آنجا مطرح می‌شود که از یک سو ماده ۲۴۱ قانون آیین دادرسی مدنی به صراحت تشخیص ارزش و تأثیر گواهی را با دادگاه می‌داند و از سوی دیگر طبق ماده ۲۳۰ همین قانون برای دعاوی قابل اثبات با گواهی شرایط جنسیت و حدنصاب معین کرده است. بنابراین اگر تشخیص ارزش و تأثیر گواهی در هر حال با دادگاه است علت و فلسفه ذکر تعداد و جنسیت گواهان در ماده ۲۳۰ چیست؟

لذا مسئله اصلی این اثر بررسی مواد ۲۴۱ و ۲۳۰ قانون آیین دادرسی مدنی و شناسایی وضعیت حقوقی تعداد و جنسیت گواهان در اعتبار شهادت و همچنین یافتن پاسخ و راه حلی مناسب در این زمینه می‌باشد.

فصل اول

کلیات

مبحث اول: مفهوم شناسی و تاریخچه

گفتار اول: مفاهیم

بند اول: شهادت در لغت و اصطلاح

الف: شهادت در لغت

شهادت در لغت معانی مختلفی دارد، کلمه شهادت در لغت از فعل ثلاثی مجرد شهد، یشهد و شهوداً گرفته شده است. گفته شده این کلمه اگر بدون حرف اضافه استعمال شود به معنای درک و حضور است و با حرف اضافه «علی» به معنای اخبار قاطع بوده و استعمال آن با حرف «باء» به معنای ادای شهادت است، معنای اخیر مترادف جمله «حلف بکذا» قسم خورد به کذا می باشد و همچنین آمده است: به معنی

دیدن و شنیدن، خطر قطعی، گواهی دادن، سوگند، شهادت در راه خدا، دنیایی که مشاهده می‌شود در مقابل عالم غیب که مشاهده نمی‌شود، است.^۱

معنی لغوی شهادت اعم است زیرا شامل هر خبر دادنی می‌شود چه راست باشد و چه دروغ. شخص فقط خبری می‌دهد، فرقی نمی‌کند به ضرر کسی باشد یا به نفع کسی.

در کتاب قاموس قرآن چنین آمده است که شهود و شهادت به معنای حضور و معاینه است. راغب در مفردات آورده است شهود به معنای حضور و شهادت به معنی دیدن و معاینه اولی است و گاهی شهادت به معنی خبر قاطع می‌باشد.^۲

۱. لويس معلوف، المنجد، چاپ اول، (تهران، انتشارات اسماعیلیان، ۱۳۶۲)، ص ۴۰۶

۲. سید علی اکبر قریشی. قاموس قرآن. بی‌چا، (تهران، دارالکتب اسلامی. چاپخانه فردوسی. ۱۳۵۴)، ج ۴. ص ۷۴

ب: شهادت در اصطلاح:

شهادت در اصطلاح فقهی و حقوقی: خبر دادن به حق است از آنچه که دیده به لفظ شهادت در مجلس قضاوت به نفع دیگری و ضرر کسی.^۱

همچنین شهادت، خبر و علم و قطع است که شخص غیر قاضی از حقیقتی که متعلق به ثالث است اظهار می‌دارد و شهادت با رعایت مقررات لازم، از جمله دلایلی است که قاضی با استناد آن، به صدور حکم مبادرت می‌کند.^۲

شهید ثانی می‌فرماید: «شهادت خبر قطعی دادن درباره حق است که برای دیگری لازم و ضروری است و توسط شخصی غیر از حاکم اقامه می‌شود.»^۳

۱. شریف علی بن محمد، جرجانی، التعاریفات، چاپ اول، (تهران، انتشارات ناصر خسرو، بی تا)، ص ۵۷

۲. محمود سرشار، «شهادت در امور مدنی و کیفری»، شماره ۲۹، بهمن ۱۳۳۲، دوره اول، ص ۶

۳. شهید ثانی، مسالک الافهام الی تنقیح شرایع الاسلام، چاپ اول، (قم، مؤسسه المعارف الاسلامی، ۱۴۱۴ ه.ق.)، ج ۲، ص ۴۰۰

صاحب جواهر می‌فرماید: مرجع در تعریف شهادت عرف است.

قطع داریم که معنای شرعی مخصوصی برای شهادت وجود ندارد و اغلب در معنای عرفی، تعریف تامی که شامل جمیع افراد آن گردد، امکان پذیر نیست.^۱

شهادت در اصطلاح حقوقی:

شهادت به معنای اخبار از واقعه ای است به سود یکی از دو طرف و زیان دیگری که از سوی شخص ثالثی غیر از اصحاب دعوا بیان می‌شود.^۲

همچنین شهادت در اصطلاح عبارت است: از اخبار از وقوع امور محسوس به یکی از حواس، اگر

۱. محمد حسن، نجفی، جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام، چاپ سوم، (تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷)، ج ۴۰، ص ۷

۲. ناصر، کاتوزیان، اثبات و دلیل اثبات، چاپ سوم، (تهران، انتشارات میزان، ۱۳۸۵)، ج ۲، ص ۱۴. محمد جعفر لنگرودی، ترمینولوژی حقوق، چاپ نوزدهم، (تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۸۷)، ص ۳۹۷

اخبار به حقی به ضرر خود و به نفع دیگری باشد آن را اقرار می‌گویند.

در فقه غالباً شرط می‌کنند که مشهود باید از دیدنی‌ها (مبصرات) یا شنیدنی‌ها (مسموعات) باشد مانند عقد و ایقاع که شنیدنی است و دزدی که دیدنی است.^۱ شهادت اخبار توأم با جزم و قطع است از وجود حقی برای غیر که از سوی غیر قاضی به عمل می‌آید، مشاهده‌ای که از طریق علم و آگاهی است.

معادل فارسی کلمه شهادت را «گواهی» دانسته‌اند و فاعل شهادت، کلمه شاهد است که معادل آن گواه ذکر شده است.^۲

در قوانین ما تعریفی از شهادت به عمل نیامده است ولی همانطور که بیان شد حقوقدانان تعاریف متعددی را بیان کرده‌اند.

۱. محمد جعفر، لنگرودی، همان

۲. همان، ذیل کلمه شهادت

بند دوم: مفهوم شاهد

شاهد یا گواه کسی را گویند که وقوع جرمی را مشاهده کرده و بخواهد درباره‌ی آن به مقام صالح قضایی خبر دهد.^۱ گاهی شاهد به طور مستقیم است که شاهد رخ دادن واقعه‌ی ای بوده یا امر رخ داده را شنیده باشد. (مانند جاری شدن صیغه)، یا آن را لمس کرده باشد. (مانند: لمس بسته‌ی ای اسکناس).

گاهی نیز فرد شاهد امر مورد اختلاف دو طرف دعوی را ندیده، شنیده و لمس نکرده است، اما آن را از فردی که دیده، شنیده و یا لمس کرده، در دادگاه نقل قول می‌کند. این شاهد بر واقعه نیست بلکه شاهد بر شهادت است.

بند سوم: مفهوم حد نصاب در لغت و اصطلاح

(یعنی) حایل میان دو چیز. انتها، کرانه. تیزی.

۱. محمد اخوندی، آیین دادرسی کیفری، چاپ هشتم، (تهران، سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۸۴)، ج ۲، ص ۱۲۸

اندازه. کیفر و مجازات شرعی، نصاب نیز به معنی حد مشخص، حد یا مقدار معین. بنابراین حد نصاب در شهادت یعنی اندازه معین، مقدار مشخص شهود در دعاوی و جنسیت یعنی زن یا مرد بودن مشخص شده در قانون برای شهادت شهود.^۱

گفتار دوم: تاریخچه شهادت و مبانی آن در حقوق موضوعه

در سال ۱۳۶۱ شمسی، نظام حاکم بر اثبات کتابت بود نه شهادت و در اعمال حقوقی سهم بسیار اندکی داشته است. برخی حقوقدانان دلیل این بی اعتمادی افراطی به شهادت را هم تاریخی دانسته اند و هم تجربی^۲، تاریخی از این جهت که پس از مشروطیت در نوسازی نظام حقوقی خود شیفته پذیرش هرچه بیشتر مظاهر تمدن اروپایی شدیم. اما دنباله تحولات

۱. فرهنگ معین، ذیل کلمه جنسی.

۲. ناصر، کاتوزیان، اثبات و دلیل، همان، ص ۵۳